



www.ketab



کتابخانه ملی و اسنادخانه ایران

سرشناسه: عاملی، امیر، ۱۳۴۱ -

عنوان و نام پدیدآور: نامت بلندباد/امیر عاملی.

مشخصات نشر: تهران: نشر آ، ۱۳۹۶.

مشخصات ظاهری: ۱۲۸ ص.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۹۹۱۹-۰۰-۱

نوع فهرست نویسی: فیبا

موضوع: شعر فارسی — قرن ۱۴

موضوع: ۲۰th century — Persian poetry

پیشگفتار: ۱۳۹۶ / ۸۸۵ الف / PIR8148

رده بندی یوئی: ۲۳۰۹

شماره کتابخانه: ۵۰۴۶۶۰

نامت بلند باد

تألیف: امیر عاملی

گرافیک: فرزاد رجبی

لیتوگرافی، چاپ، صحافی: مجتمع چاپ اوج

نشر: آ

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۶

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۹۹۱۹-۰۰-۷



فهرست

- ۸ ورق بزرگ بخوانی حکایت گل را
- ۱۰ عقل مقدار اگر فرزانه می خواهد مرا
- ۱۲ به دانا و زبانی نیست در تقدیر ما
- ۱۴ آن که درین و زمان دلم بد است
- ۱۶ کسی که در دشمن به چشم من کور است
- ۱۸ اگر چه باده زدن دانی دانا نیست
- ۲۰ زندگی ها مثل دنیای محازی است
- ۲۲ چشم های مهربانت چو چراغ روشن است
- ۲۴ ای که می دانی دلت از آهن است
- ۲۶ سرت که شانه ای تنهایی مرا میخواست
- ۲۸ آمار عاشقان که در این دوره کم شد است
- ۳۰ میوش شعله که این جنگ رو به خاموشی است
- ۳۲ مگو بزرگ، مگو دلکش و تماشایی است
- ۳۴ آنقدر گفتم به من از اوج استغنائی دوست
- ۳۶ نشناختم در آینه این پیرمرد کیست؟
- ۳۸ دیگر این خورشید، آن خورشید نیست
- ۴۰ تا پا شکسته ایم مجال گریز نیست
- ۴۲ هر چند تشنه ایم به دیدن، مجال نیست
- ۴۴ اگر تو باشی و من باشم و خدا غم نیست
- ۴۶ دارم سری که ثانیهای روی شانه نیست

- ۴۸ هزار شکوه بیان دقیقه‌ای غم نیست
 ۵۰ با سیاوش از آتش رد شدن تماشا داشت
 ۵۲ مگر به دور زمین آسمان نمی‌گردد؟
 ۵۴ اگر چه چهره‌ی معصوم و مهربان دارد
 ۵۶ او و کمان کشید و دلم را شکار کرد
 ۵۸ پیرس درد مرا عاقبت که درمان کرد؟
 ۶۰ به هیچ ناوک مژگان مرا شکار نکرد
 ۶۲ حتی به ار نیز، هوا را عوض نکرد
 ۶۴ دوا به بزرگا من به روستا برگرد
 ۶۶ با منت هرگز قتل عام شد
 ۶۸ ای کاش چنین همه‌ها باز نبودند
 ۷۰ پیرس از آن همه عاشق که بی‌کس و کارند
 ۷۲ زن شنیدی که پیم سودا باز کند
 ۷۴ حالا که درد هست، دوا ناز من کن
 ۷۶ یاد تو در سرم، تو بمو، در می‌بود؟
 ۷۸ بی تو جهان بجان تو، رزق پریده بود
 ۸۰ شلاق باد؛ بر سر دوش نشان بود
 ۸۲ تا غنچه غرق لذت خمیازه می‌شود
 ۸۴ عمری که می‌رود نه به دلخواه بلکه زور
 ۸۶ شبیه آه ستم دیدگاه بی‌تاثیر
 ۸۸ از جنس عشق آینه‌ای دل‌نشین بساز
 این بوده رسم شاید از آغاز و از ازل
 ۹۱ خیالت را همی چون باد در آغوش می‌گیرم
 اگر باید به گیسویت پریشانی بیاموزم

- ۹۶ برای من که بر آنم تو را نفس بکشم
 ۹۸ بار عشق گلرخان، گر شانه می خواهد منم
 ۱۰۰ باشد قبول، از خس و خاشاک کمترین
 ۱۰۲ ما را پیاده خواسته بودی پیاده ایم
 ۱۰۴ مرا که به سر آرزوی چیده شدن
 ۱۰۶ کار بجزای خدای خدا مکن
 ۱۰۸ تفسیر که تمام خدات را برای من
 ۱۱۰ با همه اندم و با همه خند
 ۱۱۲ مباش در پی راز خلقت رجیده
 ۱۱۴ توبه باید کرد؛ توبه و مجاز توبه؟
 ۱۱۶ لب از شکایت شبها؛ انتظار نفس
 ۱۱۸ فرقی نمی کند که چه هستی
 ۱۲۰ اگر چه نیست تو را ادعای استاد
 ۱۲۲ رفتی مرا به گریه سپردی و رد شدی
 ۱۲۴ قفس مباف اگر در خیال پروازی
 ۱۲۶ بیوگرافی